

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، ویژه علوم اجتماعی

نسبت آسیب‌های هیئت‌های مذهبی با تغییرات فرهنگی

سه دهه گذشته جامعه (مطالعه موردی هیئت مکتب الحسین اصفهان)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۶

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۵

مهدی مستأجران*

چکیده

در سه دهه گذشته شاهد تغییراتی در هیئت‌های مذهبی عاشورایی هستیم که با فلسفه وجودی تأسیس آنها که احیاء فرهنگ اصیل عاشورایی است، در تعارض می‌باشد. تغییراتی که از دهه دوم انقلاب تحت تأثیر فرهنگ جدید توسعه بوجود آمده و علاوه بر اینکه تأثیرات مخربی بر ساختارهای فرهنگی جامعه داشته آسیب‌های مخربی بر هیئت‌های مذهبی داشته است. این تحقیق به شیوه مردم‌نگاری تفسیری با توجه به اندیشه‌های گیرتز به توصیف عمیق و فهم معنای عمل اجتماعی که در رفتار مناسکی هیئت‌ها مذهبی عامه پسند با تأکید بر هیئت جوانان عاشورایی مکتب الحسین اصفهان در مدت زمان سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ پرداخته و بر مبنای ادبیات نظری تحقیق به دنبال فهم ریشه‌ای تغییرات و آسیب‌های مخرب بوجود آمده در این هیئت‌ها می‌باشد. تغییراتی که در ساختارهای فرهنگی جامعه که به سبب پیاده‌سازی مدلی غیر بومی و نامتقارن از توسعه بوجود آمد و به پیوسته آن سبکی از دینداری را در قالب این هیئت‌ها شایع نمود که بجای اینکه رفتار مناسکی این هیئت‌ها برگرفته از متون و منابع اصل عاشورایی باشد نوعی از هیئت داری که مورد انتظار مخاطبان توسعه زده را شایع نمود.

واژه‌های کلیدی: هیئت‌های مذهبی عامه پسند، فرهنگ توسعه، هیئت مذهبی مکتب الحسین اصفهان، آیین‌های عاشورایی، عزاداری.

* دانش‌آموخته ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

به اجرا در آمدن مدلی از توسعه در دهه دوم انقلاب نه تنها رشد و توسعه‌ای درون‌زا برای کشور به ارمغان نیاورد بلکه به مرور زمان آثار مخربی از جهت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ایرانی به همراه داشت. از جمله آنکه نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فتودالی و اشرافی که قبل از انقلاب اسلامی پایه گذاری شده بود و در دهه اول انقلاب بواسطه انقلاب اسلامی و جایگزین شدن مدل انقلابی و کارآمد و درون‌زا جامعه، تضعیف شده بود، مجدداً تقویت نمود. مسابقه تجملگرایی و اشرافیگری در جهت دستیابی به اهداف و منافع فردی تبدیل به یک ارزش و موجب به حاشیه رانده شدن توجه به ارزش‌های دینی و مصالح ملی و جمعی و احساس مسئولیت در مقابل آن و نیز ساده و صداقت، اعتماد و اخلاق در جامعه ایرانی شد. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۵۷۲) ثروت اندوزی به مهم‌ترین ارزش و به مرور فاصله بین فقیر و غنی افزایش یافت و احساس نابرابری و بی‌عدالتی جامعه را فراگرفت. (رفیع پور، ۱۳۹۱: ۱۹۴) به هر اندازه توسعه زدگی پیش رفت نمود تخریب ساختارهای فرهنگی جامعه بیشتر شد و علی‌رغم تأثیر گسترده دینداری در زندگی مردم موجب فاصله گرفتن جامعه از علمای دین و کم‌رنگ شدن ارتباط و اعتماد عمومی مردم به روحانیون و علمای دین به عنوان نماینده‌های مذهب (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۲۸) و کاسته شدن تاثیر گذاری آنها شد و همه عوامل فوق موجب پدیدار شدن نوعی دینداری عامه پسند بجای دینداری عالمانه به محوریت روحانیت شد. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۴۰۸)

مناسک عاشورایی به دلیل نقشی که در حیات فرهنگی جامعه داشته و بویژه اینکه برای مردم عادی این مناسک یکی از ارکان اصلی دینداری محسوب می‌گردد. پدیدار شدن دینداری عامه پسند سبب بوجود آمدن هیئت‌هایی عاشورایی شد از نسل گذشته خود

از جهت صورت اجرا و محتوایی فاصله گرفت و بگونه‌ای که وجوه فردی عاطفی و احساسی و هیجانی آن بر وجوه عالمانه منطبق با فرهنگ اصیل عاشورایی غلبه پیدا کرد. تحقیق و پژوهش در مورد منشأ تغییرات فرهنگی بوجود آمده در فرهنگ عمومی جامعه و روشن شدن آسیب‌های مخرب آن بر هیئت‌های مذهبی با مطالعه عمیق این هیئت‌هایی که در معرض این آسیب‌ها هستند. فهم عمیق تغییرات بوجود آمده می‌تواند ما را به منشأ آسیب‌ها رهنمون نموده تا متولیان امر با تدابیر عالمانه این مناسک را از ناهنجاری‌ها و کج کارکردها بوجود آمده پالایش نمایند بنابراین، این مقاله برای پاسخگویی به این پرسش است که؛ چه نسبتی بین آسیب‌هایی که هیئت‌های مذهبی عاشورایی را در سه دهه گذشته تهدید می‌کند با تغییرات فرهنگی بوجود آمده در ساختارهای فرهنگی جامعه وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

برای فهم ساختارهای فرهنگ عمومی جامعه در قالب ادبیات نظری تحقیق به شیوه اسنادی و با توجه به نقطه نظرات اندیشمندان این حوزه مطالعاتی به تبیین ویژگی این ساختارها پرداخته شده است و بواسطه دو روش اسنادی^۱ و مردم‌نگاری تفسیری با توجه به اندیشه‌های گیرتز، ابتدا به توصیف مختصر، یعنی جمع‌آوری و ثبت داده‌های مردم‌نگارانه از محیط و میدان محل مطالعه، همراه با جزئیات کامل بواسطه تکنیک‌های مردم‌نگاری شامل مشاهده مشارکتی، مصاحبه رسمی و غیررسمی و استفاده از مصنوعات فرهنگی انجام پذیرفته است. (رفیع پور، ۱۳۹۳: ۳۳) داده‌هایی که چنانچه گیرتز می‌گوید؛ دارای تکرار ساختاری مفهومی پیچیده است که در ابتدای امر غریبه، نامنظم و غیرشفاف

۱. یکی از منابع اسنادی در این تحقیق پایان‌نامه آقای محسن حسام‌مظاهری با عنوان "هیأت و جوانی: هیأت‌های مذهبی جوانان" می‌باشد که در توصیف یکی از هیئت‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۸ نگاشته شده است.

به نظر می‌رسند. (Geertz, 2000:10) آنگاه برای دستیابی به معنا به سراغ تفسیر و کشف معنای درون اعمال رفته به توصیف فرجه و عمیق آنها پرداخته شده باز نمایی معانی که از طریق نمادهای محقق شده و چه بسا جوامع و افراد و گروه‌های اجتماعی درون آن از دلالت‌های نمادین آن خبردار نیستند. (Geertz, 1988:14) تفسیری که بر پایه تفسیرهای مطلعین و افراد مورد مطالعه انجام می‌پذیرند و فهم فهم‌های مطلعین و افراد بومی از آنچه آنها انجام می‌دهند می‌باشد. و عمل و پدیده و واقعه اجتماعی را چنان در بافت فرهنگی آن و عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با آن مطالعه شده که؛ بتوانیم بفهمیم معنای عمل اجتماعی که انجام پذیرفته، چیست؟ با این ویژگی‌هاست که می‌توان دست به مداخله برای رفع یا کاهش آسیب‌های اجتماعی همت گماشت.

فرهنگ عامه پسند

همواره در مقابل فرهنگ برتر که مختص خواص و طبقات و اقشار برگزیده است، توده مردم بر فرهنگ متفاوت و در مواردی متعارض و متضاد با فرهنگ خواص هستند. این همان مقوله‌ای است که از آن به «فرهنگ عامه پسند» تعبیر می‌کنیم؛ یعنی فرهنگی که نه به طبقات برتر، بلکه به توده‌های مردم تعلق دارد و در تناسب با سلیقه و ذائقه آنان و پاسخگوی انتظارات و دغدغه‌هاشان است. فرهنگی بی‌اعتنا به استانداردها و شاخصه‌های برتری بخش و فاخری که در فرهنگ برتر، ارزش محسوب می‌شوند. مشخصه فرهنگ عامه یا مردمی، شکستن ساختارها و هنجارهای دست و پاگیر، انحصاری، ایده آلی، سخت و محدود فرهنگ برتر و مظاهر و نمودهای آن و در مقابل جایگزین ساختن نمونه‌های فراگیر، سهل الوصول و گسترده است. (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲۹) در جوامع امروزی البته مفهوم فرهنگ عامه پسند معنای جدیدی یافته است، معنایی در ارتباط تنگاتنگ با جایگاه و نقش رسانه‌های جمعی و تبلیغات که فرهنگ عامه را به مثابه محصول جامعه سرمایه‌داری و یک فرهنگ مصرفی معرفی می‌کند. (شوکر، ۱۳۸۴: ۲۱)

مقولاتی چون موسیقی مردم پسند، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، سینما، تلویزیون، کتاب‌ها و نشریات عامه پسند از بارزترین مظاهر این فرهنگ در جوامع امروزی محسوب می‌شوند. (استوری، ۱۳۸۹)

تقسیم جامعه به دو بخش رسمی و غیر رسمی

جامعه ایرانی از دو بخش رسمی و غیر رسمی تشکیل می‌گردد. بخش رسمی که توسط حکومت و نیروهای آن اداره می‌شود بر اساس برنامه و اهدافی از بالا به پایین و سلسله مراتبی تعریف شده هرچند این اهداف برای اعضا مشخص و قابل قبول نباشد ولی با توجه به ضوابط و رسمی با ابزار بیرونی برای اجرا کنترل می‌گردند و اعضا در مقابل اجرای آن امتیاز می‌گیرند. بخش غیر رسمی خارج از سیستم بخشی می‌باشد که حکومت بوده و توسط عموم جامعه اداره می‌گردد. این بخش دارای ساختار و سازماندهی مستقل از بخش رسمی و از یک مرکزیت به هم پیوسته و مقبولیت اجتماعی و قدرت نفوذ قابل ملاحظه در بین آنها برخوردار بوده و دارای سازماندهی خود جوش، سریع، بی‌تکلف می‌باشند. نقش اجتماعی اعضا تعریف شده ولی نانوشته و هرکسی وظیفه خود را خوب دانسته و بدون چشم داشت امتیازات مادی و تفاوت‌های آن با کارکردهای بالا و موثر بدان عمل می‌کنند، دیگران نیز به نقش او احترام می‌گذارند. کنترل این بخش جامعه بطور درونی و غیر رسمی با میلی درونی برای جور بودن با بقیه (میل با همجواری) همراه می‌باشد. روابط بین اعضا افقی، رفاقتی صمیمانه همراه با اعتماد و گذشت و ایثار است. در صورتیکه در دو بخش جامعه همگرا شد، بصورت طبیعی بخش رسمی و حاکمیتی جامعه خود خادم و خدمت‌گذار مردم می‌داند و قوانین و اقدامات در همه زمینه‌ها بر اساس نیازها و خواسته‌های بخش غیر رسمی جامعه شکل می‌گیرد. و موجب جامعه پیشرفت همه جانبه‌ای می‌گردد و یکپارچه جامعه در مقابل انواع هجوم بیگانگان و از نفوذ آنها می‌شود. ولی هرگاه بین این دو بخش بواسطه عناصر فرهنگی مخرب شکاف حاصل شود، حمایت

بخش غیر رسمی از بخش رسمی که وظیف حراست از تسلط و نفوذ بیگانگان را دارد، کم رنگ، و به هر میزان شکاف عمیق تر بشود این حمایت کم رنگ تر و زمینه مناسبی برای تسلط و نفوذ بیگانگان آماده می کند. تا آنجا که بیگانگان می توانند بخش غیر رسمی جامعه را در مقابل بخش رسمی بسیج نموده و حکومت را با نیروی درونی خود آن کشور ساقط کنند. از جمله عناصر فرهنگی که در قالب متغیر مستقل یا وابسته می تواند موجب شکاف در این دو بخش شود می توان به فرهنگ فئودالی، استبدادی، ایلی، فرهنگ همجوری، تضاد، حکومت ستیزی و نیز فرهنگ رفتارهای احساسی، نام برد. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

تاثیر فرهنگ توسعه بر شکل گیری دینداری عامه پسند:

منظور از توسعه در جامعه ایرانی؛ مدلی از توسعه می باشد که در دهه هفتاد بواسطه روی کار آمدن دولت سازندگی در قالب برنامه توسعه ایران اسلامی به اجرا در آمد. این مدل که بیشتر بر مبنای توسعه کشورهای غربی بود، توسعه ای نامتقارن برای پیشرفت برای کشور به ارمغان آورد. لذا نه تنها رشد و توسعه ای درون زا برای کشور به ارمغان نیاورد بلکه به مرور زمان آثار مخربی از جهت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ایرانی به همراه داشت. از جمله آنکه نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فئودالی و اشرافی که قبل از انقلاب اسلامی پایه گذاری شده بود در دهه اول انقلاب بواسطه انقلاب اسلامی با جایگزینی مدل انقلابی و کارآمد و درون زا جامعه، تضعیف شده بود مجدداً تقویت گردید. و به انضمام ساختارهای خاص فرهنگی که ریشه در تاریخ فرهنگی کشور داشت مانند فرهنگ فئودالی، استبدادی، ایلی، فرهنگ همجوری، تضاد، حکومت ستیزی و در نهایت سبب شکاف در بدنه بخش رسمی و غیر رسمی جامعه شد. با ورود این فرهنگ مدرک گرایی و توجه به وسایل و ابزار منزلتی، تجملات و اشرافیگری و... گسترش یافته و به مرور موجب توسعه فساد در بخش رسمی جامعه و اختلال در

کارکردهای این بخش شده و بخش غیر رسمی جامعه وارد این مسابقه تجملگرایی و اشرافیگری در جهت دستیابی به اهداف و منافع فردی بیشتر شدند. و به مرور توجه به مصالح جمعی جامعه که در دهه اول انقلاب بواسطه روحیه انقلابی گری تبدیل به یک ارزش شده بود جای خود را به اولویت قرار گرفتن منافع فردی و تمایل روز افزون مادیات بجای معنویات شد. ورود انواع مقیاسهای جذاب مادی، مردم را وارد یک مسابقه بر سر دستیابی امکانات مادی بیشتر نمود و بسیاری به سرعت صاحب ثروتهای کلان شدند. از این طریق فاصله بین فقیر و غنی افزایش یافت و سبب گسترش بی‌اعتمادی و نارضایتی فراگیر و اپیدمی شده در جامعه شد تا آنجا که کمتر مردم حس رضایت، آرامش و خوشبختی و امنیت می‌کنند دائماً وضعیت خود را با نداشته‌های خود مقایسه می‌کنند و به مرور بین افراد برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای رقابت در گرفته و افراد تنها به دستیابی به اهداف شخصی خود می‌اندیشند. به همین جهت فردگرایی که نوعی عدم احساس مسئولیت در مقابل منافع جمع و انسجام ملی بود تبدیل به یک ارزش همگانی شده و بدنبال آن هویت ملی کاهش یافته و انسجام و انتظام جامعه تضعیف شد. و در پی آن الفت‌ها و دوستی‌ها و ارزش ایثار و فداکاری از جامعه کم رنگ شده و انسجام اجتماعی تضعیف شد. جامعه دچار رقابتی کور جهت بدست آوردن منافع بیشتر شد و تشخیص درست از غلط، حقیقت از دروغ، عالم از جاهل با مشکل مواجه شده و بطور طبیعی در شرایط بوجود آمده هرکسی می‌تواند ادعایی هر چند غلط بنماید بقیه براحتی آن آنرا می‌پذیرند و تبدیل به باور همگانی شده و با نوعی همجوری تقلیدی و غیر آگاهانه و وفور رفتارهای احساسی همراه گشته بطوری که هیچ کس را یارای نقد آن نیست. لذا بسادگی ابزار تحریک عاطفی مردم و جذب انرژی احساسی آنها بنماید. با حاکم شدن ارزش‌های فردی ابزارهای تحریک کننده احساس مانند شعر و موسیقی احساسات جامعه بویژه جوانان بر می‌انگیخته و آنها را بسوی تمایلات فردی، حزن عاشقانه و منفعل و گوشه گیرانه سوق داده و زمینه سازسوق دادن امیال جامعه بسوی خواندن داستانهای خیالی

و غیر واقعی و نیز پناه بردن انواع مواد مخدر، مشروب الکلی و نیز به بی‌قیدی و لابلایی گری و خیالی نسبت به هنجارها و ارزش‌های متمایل نموده که همه اینها برای یک نظام زنده اجتماعی پویا و پرنشاط و امیدوار بسیار مخرب است. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۵۷۳)

فرهنگ جدید توسعه تأثیرات خاصی نیز بر نظام دینی مذهب جامعه گذاشت چرا که اقتضای این مدل از توسعه نوع خاصی از زندگی با مشاغل متفاوت و مسائل متفاوت بود. تا آنجا تأثیر مذهب در جامعه کاهش یافت. از جمله آنکه با شکل‌گیری کانالهای اطلاع‌رسانی متفاوت و قواعد با هم‌جواری متفاوت و محدود شدن کنترل اجتماعی بخش غیررسمی جامعه توسط روحانیون و تغییر سطح دانش متفاوت جامعه نسبت به گذشته، سبب محدود شدن کنش متقابل بین نهاد دین و روحانیون (به عنوان رهبران نظام مذهبی)، و مردم و ارتباط بین آنها شد. تا آنجا که نقش روحانیون به امامت جماعت مسجد با مأمومین معین و برگزاری مراسم سوگواری در دهه محرم، و عطا در ماه مبارک رمضان و روضه خوانی در منازل محدود شد. و به هر اندازه توسعه زدگی پیش رفت نمود این فاصله ارتباطی بیشتر شد. اقتضات بواسطه تقسیم کار جدید اجتماعی و مشاغل مختلف بیگانه با مذهبی سبب شد جامعه از قواعد و دستورات عملیهای دیگری پیروی می‌کنند و به تبع انتظارات آنها از دین متفاوت بشود. و راه حل‌های ارائه شده از جانب نهادهای رسمی مذهبی را نپذیرند و بدنبال نظام مذهبی در شکل جدید و یک دین انتظاری حرکت کنند. در این فرایند روحانیونی مقبولیت می‌یابند که بتوانند پاسخگوی این سبک از دینداری باشند مسیری از مسئله یابی و مسئله پردازی فردی که منطبق بر انتظارات عوام و متناسب با هنجارهای فرهنگی پذیرفته جدید باشد. به هر میزان که بخش‌های مختلف جامعه به سوی تجدد رفتند نقش و کارکرد مذهب و روحانیون کاهش یافته و نفوذ آنها بیشتر در بخش‌های سنتی جامعه و مخصوصاً اقشار پایین جامعه محدود می‌شود. با این ویژگی‌ها، دین انتظاری و عامه‌پسندی شکل گرفت که روحانیون و کارشناسان حوزه دین

نقش پررنگی در شکل‌گیری آن نداشته و نقش آنها در آن تضعیف شده و در مقابل توده دینداران در شکل‌گیری آن نقش محوری بازی می‌کنند. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۴۰۸ و ۴۵۶)

یافته‌های تحقیق

هیئت‌های عامه پسند و تغییرات فرهنگی سه دهه گذشته:

آیین‌های عاشورایی در قالب هیئت‌های مذهبی که وجه برجسته دینداری جامعه محسوب می‌شود. هیئت‌ها در اصطلاح گروهی اجتماعی مذهبی می‌باشد با سابقه تاریخی مشخص و تجمعی از افرادی که در راستای زنده نگه داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی با محوریت واقعه عاشورا و قیام امام حسین⁷ و بر اساس ساختار دوگانه واعظ و ذاکر تشکیل می‌شود و اعضا از طریق روش‌هایی معمول و آدابی مشخص به سوگواری یا شادمانی می‌پردازند. شرکت در آن نیز اختیاری و بر اساس یک اعتقاد و باوردرونی است. متناسب با ویژگی‌های ساختاری و نیز مخاطبان، یک هیأت جدای کارکرد اصلی اش، کارکردهای دیگری هم می‌تواند دارا باشد. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۲۷۵) هیأت مذهبی را می‌توان به مثابه یک گروه اجتماعی تلقی کرد. طبق تعریفی که هومنز ارائه می‌کند، گروه اجتماعی عبارت است از عده ای افراد که دارای یک وجه اشتراک مهم مانند هدف مشترک، دشمن مشترک...، فعالیت مشترک و کنش متقابل و احساس تعلق خاطر یا احساس "ما" باشند. (رفیع پور، ۱۳۹۳: ۱۰۹) همه این شاخصه‌ها را می‌توان در یک هیأت مذهبی مشاهده نمود. هدف مشترک آنرا می‌توان زنده نگاه داشتن یک واقعه یا اعتقاد یا شخصیت دینی و فعالیت مشترک آنرا عزاداری یا شادمانی می‌باشد. و کنش متقابل مصداق آن تعامل مداح و حاضران در مجلس با هم و در نهایت احساس تعلق خاطر می‌باشد که در قالب عضویت در هیأت، تقسیم کار و سلسله مراتب درونی انجام می‌گردد.

هیئت‌های مذهبی براساس ساختی - کارکردی به هیئت به سه گونه سنتی، انقلابی و عامه پسند تقسیم می‌شوند. (مظاهری، ۱۳۸۷)

هیأت‌های عامه پسند گونه‌ای از هیأت‌های مذهبی می‌باشند که در قالب پدیده‌ای جدید در عرصه دینداری به یکی از مظاهر سبک زندگی دین دارانه جدید در دهه‌های گذشته با پیاده سازی مدلی خاص از توسعه بوجود آمده است. در این مقاله تاثیرات تغییرات فرهنگی مورد نظر که سبب شکل‌گیری سبک جدید دینداری در قالب هیئت‌های مذهبی عاشورایی با مطالعه موردی هیئت مکتب الحسین ۷ اصفهان که از جمله هیئت‌های عامه پسند می‌باشد (مستاجران، ۱۳۹۵) و می‌تواند بواسطه ویژگی‌های خاص خود نمونه شاخصی از این هیئت‌ها باشد در قالب عناصر تشکیل دهنده ساختاری آن بر اساس؛ مخاطبان، سخنرانان و مداحان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مخاطبان:

مخاطبان هیئت از در دو گروه مخاطبان درونی شامل اعضای هیئت و حاضران در مجلس و مخاطبان بیرونی شامل مصرف کنندگان کالاها و محصولات هیئت، تشکیل می‌گردند. محدودیتی برای ورود افراد به این هیئت‌ها اعم از اینکه به چه تیپ فکری، گروه سیاسی، پیشه، شغلی، قشر اجتماعی، اعتقاد دینی و... متعلق باشند، وجود ندارد. اعضا متعلق به گروه سنی نوجوانان و جوانان بوده می‌باشند. دین داری عامه پسند الگوی دینداری آنها محسوب می‌شود دینداری که عاطفه و احساسات مقدس و تجارب دینی منفرد دین داران ملاک آنست و استدلال‌ات عقلی چندان در آن ندارد. گزاره‌های دینی، منفک از شریعت در معنای ناظر به فقه آن و به صورت کاربردی و راه گشا در زندگی روزمره خلق یا بازتولید می‌شوند. این نوع دینداری اسطوره محور، متأثر از تصوف، متساهل و آسان گیر، معتقد بر انفکاک دین از سیاست و بالاخره فردی است. (شجاعی زند، ۱۳۸۳)

جمعیت مخاطب جوان هیئت که همگی در عنفوان جوانی هستند نقش بسیار مهمی در

جهت دهی مسیر آیینی هیئت دارند. مخاطبان جوان هیئت به جهت دارای بودن ویژگی‌های عمومی دوران جوانی که تجلی نوع خاصی از استقلال، احساس زندگی و ارزش‌های ویژه این نسل می‌باشد در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی از جمله رفتار، ورزش، تفریح، اخلاق، ادبیات، موسیقی و حتی زبان از قواعد متفاوت از بزرگسالان تبعیت می‌کنند. (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۸۹) آنها علائق و کنش‌های یکسانی در اوقات فراغت داشته و بدنبال نوعی احساس خودمختاری از بزرگسالان بوده و با افزایش این حس، انزوای فردی و گروهی آنها نیز افزایش می‌یابد. (شوکر، ۱۳۸۴: ۲۴۳) البته اقتضائات جامعه توسعه زده گی جامعه شهری نیز مزید این احساس بیگانگی نیز شده است^۱ احساسی که سبب می‌شود فرد، خود را از دیگران و از جامعه بریده محسوب کند. کلود فیشر اجزای این بیگانگی را به سه دسته؛ احساس ناتوانی، احساس بی‌هنجاری و احساس انزوای اجتماعی، (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱) تقسیم می‌کند. مخاطبان هیئت علاوه بر این ویژگی‌ها دارای ویژگی‌های خاص دیگری مانند اینکه آنها بجز اقلیتی مابقی از قشر فرودست جامعه و از سطح تحصیلات متوسطه به پایین بر خوردار می‌باشند. بسیاری از آنها در کارهای سخت خدماتی مشغول بوده و در معرض آسیب‌ها و کج روی‌های متعدد اجتماعی قرار دارند. فراوان دخیات شامل سیگار و قلیان مصرف نموده و فحاشی و بد زبانی و... بسیار بین آنها شایع است. مدیر هیئت در این رابطه می‌گوید:

«بنظرم خیلی خوشبینانه بخواهیم بگوییم ۷۰٪ جوانان ما از جهت خانوادگی پشتیبانی لازم را از جهت فرهنگی ندارند. ما کسانی را در هیئت داریم که حتی آقا زاده بوده و فرزند آیه الله می‌باشد ولی با پدر خود مخالف است و اعتقادات او را قبول ندارد و پدرش نتوانسته روی او تاثیر بگذارد، من می‌گویم این قشر مهم هستند. اینها اکثریت جامعه ما را تشکیل می‌دهند. حد اکثر ۱۰٪ جوانان از جهت سیاسی همراه انقلاب می‌باشند. کسی که مثلا پدرش قاچاقچی بوده لباس و حرف زدن او به گونه‌ای دیگر است و... معلومه این هیچ چیز نداره که پتشیوانه او از جهت فرهنگی باشد. تکلیف این جوان چیست؟ ما اور

را رها کنیم؟! ما می‌گوییم باید به اینها توجه نمود. بقیه چه ما بخواهید چه نخواهید هستند و نیاز به جذب ندارند.»

اغلب آنها به جهت اینکه رفتار مناسکی هیئت دارای هویت مستقل از حاکمیت و در مسایل سیاسی خنثی عمل می‌کند و یا بعضاً نوعی ستیز با حکومت در رفتار آنها وجود دارد و از شرایط موجود حاکم بر جامعه ناراضی هستند، جذب هیئت شده‌اند. آنها تاثیر زیادی صور مختلف در شکل‌گیری رفتار مناسکی هیئت دارند. هیئت در حکم پناهگاهی است که مشکلات و مسائلی که با آن مواجهند را با حضرت ابا عبدالله الحسین و خاندان و اصحاب حضرت علیهم السلام بی‌واسطه در میان گذارند و ارتباطی ناب و عاطفی نزدیکی با آنان برقرار نمایند. و به اقتضای سنین جوانی نیاز به هیجان و تحرک همراه با نوعی آرامش و بی‌خیالی دارند. لذا هیئت برای آنها به مانند محل مناسبی برای فروکاستن عقده‌های فروخورده ناشی از نارضایتی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چراکه در برابر شرایط بوجود آمده احساس بی‌پناهی می‌کنند و به عزاداری‌های پر هیجان و پرشور و طولانی رو می‌آورند. چراکه برای آنها نوعی حالت تخدیری به همراه دارد. آنها کمتر پای بند به ظواهر شریعت بوده و بر این باورند که مقوله محبت اهل بیت، فقه بردار نبوده و خارج از دایره ظاهر شریعت است. آنها محبت به اهل بیت پیامبر اسلام و ائمه دین را امری در عرض، موازات و بالاتر ظوار شریعت دانسته و فهم این مسائل را خارج از محدوده فهم و استدلال عقلی و قطعاً بالاتر می‌دانند. ابراز محبت به اهل بیت اصول دین برای آنها بحساب آمده و سینه زنی و سوگواری بر مصایب ظاهری آنان هم فروع دین می‌شود. حساب و کتاب و صراط و جهنم و بهشت و ثواب و عقاب و دنیا و آخرت هم، همه و همه در عشق حسین علیه السلام خلاصه می‌شود. این سبک زندگی با ساختار شکنی در قواعد پذیرفته شده بخش رسمی جامعه و نمونه آرمانی آن در تعارض آشکاری باشد. و سبک عزاداری نوینی از مراسم آیینی راعرضه می‌نماید که دارای رفتارهای هیجانی بالا همراه با تحرک فوق العاده عزاداری در مدت زمانی طولانی همراه برهنه شدن و...

می‌باشد. به پیوست تغییر و تحولاتی که در ذایقه جوانان بوجود آمد و شکل‌گیری نوعی دینداری انتظاری و عامه است که در پی آن آیین‌های مناسکی که در هیئت مکتب‌الحسین به اجرا در می‌آید با شرایط جدید و عناصر فرهنگی متناسب باشد.

۲- مد/ح:

مداحان و ذاکران محور اساسی این هیئت‌های را تشکیل می‌دهند و از جمله از ویژگی آنها استفاده از موسیقی تقلیدی و عاریتی، تکیه بر قابلیت‌های تکنولوژی صوتی پشرفته روز، استفاده از فضاسازی مجازی برای تاثیر روانی بیشتر بر مخاطبین و ایجاد تحرک و سینه زنی پرشور در آنها می‌باشد مرثیه و روضه و مصیبت‌خوانی توسط آنها غالباً از کتب و اسنادی و متکی بر مقاتل و کتب معتبر روایی شیعه نیست، بلکه اصطلاحاً شهودی و بیان مصائب در قالب تعریف رویا و مکاشفه یا تعریف فلان شخص در قالب زبان حال می‌باشد. ادبیات مداحی آن دارای قالب‌های نوین شعری حد فاصل ادبیات سنتی و ادبیات فولکلور و عامیانه که دارای قدرت برقراری ارتباط سریع و آسان و سهل با مخاطب نوجوان و جوان شهرنشین امروزی است می‌باشد بشکلی که مخاطبان آنها با زبان خود بصورت آهنگین و با قابلیت سر زبان افتادن و زمزمه نمودن با آن عزاداری نماید. آنها با بهره‌گیری از ادبیات سلطنتی از شخصیت و مقام اهل بیت به شاه و سلطان و نظایر آن برای نشان دادن والا بودن مقام و منزلت آنها استفاده می‌نمایند می‌باشد نیز استفاده می‌کنند. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۳۱۴)

مانند:

دوباره هواتو کردم	هوا کربلاتا کردم
دوباره من و دلتنگی	هوای صحن و سراتا کردم (۲)
دوباره هواتو کردم	هوا کربلاتا کردم (۲)
دوباره من و دلتنگی	هوای صحن و سراتا کردم (۲)

توهستی سر وسامونم	میدونی که من مجنونم
بازم از سر دلنگی	میام تو روزه برات میخونم (۲)
واسه من سینه زنی عبادته	روضه اومدن برام سعادتته
هرکسی یه ارزو داره و من	آرزوم زیارت و شهادتته (۲)
من دردم هستی درمون	پای روضت میدم جون
اقاجون به حق زهرا	مارا به کربلا برسون

کربلا(تکرار)

(علیمی: ۱۳۹۴ شب سوم محرم)

مداح اصلی هیئت، مؤسس نیز می‌باشد بطور میانگین بین ۴ تا ۵ ساعت مداحی‌های او بطول می‌انجامد. بر اساس الگوی دین داری که مداحان عامه پسند از آن تبعیت می‌کنند آنها بنای استقلال از علمای دین و نظام مذهبی دارند. لذا خود را بی‌نیاز از آنها دانسته و مستقلاً به حل و فصل امور دینی خود می‌پردازند. لذا از ویژگی‌های مداح ستاره هیئت آنست که خود را نیازمند به بر ارتباط و بهرمندی از علمای دین نمی‌داند.

«شیوه ارتباط مداح هیئت با علمای دین بگونه‌ای است که؛ اینطور نیست که هرآنچه عالماً بگویند عمل نماید بلکه می‌گوید هرچه امام زمان بفرماید باید عمل نمود. خودش را محصور در عالم خاصی نمی‌کند بطور مثال مدتی با یک عالمی که به دلش بنشیند ارتباط دارد و زمانی دیگر با عالمی دیگر هر کدام از این آقایون علما که حرف‌هایش اهل بی‌تی‌تر باشد بهتر آنرا می‌پذیرد بیشتر با آنها موافق است.»

از امتیازات برجسته او صدای بسیار خوب و زیبا و حزن‌انگیز و دلپذیر می‌باشد که برای مخاطب که در معرض آسیب‌ها و کجروی‌های اجتماعی قرار گرفته، تسلی‌بخش و آرام‌بخش می‌باشد. مداح هئیت دارای ویژگی یک ستاره برخوردار مخاطبان او علاقه و شیفتگی خاصی به او دارند. برای بعضی از آنها شیفتگی به مقداری است که او تنها ملجأ

و پناهگاه مذهبی آنها محسوب می‌شود. جریاناتی که با نظام و حکومت به نوعی همراهی ندارند فراوان سعی نموده‌اند از شهرت و ستاره بودن او در بین توده جوانان، سوء استفاده نموده و از موقعیت او در درجه اول بر علیه نظام اسلامی و در مرحله بعد با برجسته سازی اختلافات مذهبی توسط او بهره‌برداری نمایند. نقطه کانونی محتوای مداحی پرداختن به مایه‌های احساسی و عاطفی و رقت‌انگیز حادثه عاشورا می‌باشد. (صفا و نجاتی ۱۳۹۰: ۴)

مداح هیئت با تبیین اسطوره‌های پاک و نیز پاک کننده سعی در ایجاد یک نوع ارتباط ناب عاطفی با آنها می‌باشد. از دیدگاه آنها اسطورهایی را باید به آن توجه نمود که می‌توانند در این شرایط خاص زمانه‌ای که به کمتر کسی می‌توان اعتماد نمود! اطراف ما را انسان‌های دوروی و پُراز خیانت و نامرد فراگرفته است، در این هنگامه باید به اهل بیت پاک پیامبر اعتماد نمود و رابطه عاطفی عمیقی با آنها برقرار نمود. لذا در ترسیم و توصیف چهره ایشان بگونه‌ای در قالب نقل روضه‌های مفصل با نقل همه ویژگی‌های عاطفی و دلخراش واقعه عاشورا و نیز بیان زبان حال برای مخاطبان خود، داستان سرایی و در نهایت ایجاد هم ذات پنداری نموده و آنها را با ذائقه و نیاز مخاطب هم ساز کنند. لذا در غم اندوه حادثه عاشورا در گذشته تاریخ می‌ماند و از آن فقط برای تطهیر فرد و توسل به آن وجودان مقدس پاکی که در آن زمان به شیوه رقت‌انگیزی با کمال نامردی و پستی و... استفاده نمود. که تشیع در درون مایه مداحی‌های مکتب الحسین، مذهبی است که وجود امام حسین علیه السلام حضرت عباس و زینب و رقیه و قاسم و... و ابراز محبت به آنها به عنوان اصول دین محسوب می‌شود و سینه‌زنی و سوگواری بر مصائب ظاهری آنها فروع دین محسوب می‌شود.

۲- سخنران:

برخلاف هیئت‌های سنتی و انقلابی که ارتباط تنگاتنگی با نهاد روحانیت و علمای دین دارند و نیز عموماً مجالس عزاداری و مداحی همراه با سخنرانی علمای دین می‌باشد،

نوع رفتار مناسکی هیئت مکتب الحسین به جهت اینکه خود را مستقل از نهاد دین و حوزه‌های علمیه و نهاد مرجعیت شعیه می‌داند خود به حل و فصل امور دینی خود می‌پردازند. و در بسیاری از موارد یا اینکه از واعظ و خطیب و عالم دینی استفاده نمی‌کند و یا اینکه بصورت محدود و نادر از حضور آنها استفاده می‌کند. از جمله این به همین جهت اندک خطبای هیئت، سخنرانی آنها در محصولات فرهنگی هیئت که در قالب نرم افزار و وب سایت‌های منتسب به هیئت که منتخب‌گزینشی از مراسم می‌باشد جایی برای ارائه ندارد و لذا کمتر این هیئت به سخنران خاصی شناخته می‌شود و گویا هیئت در آن مجلس اصلاً سخنرانی نداشته است. همان محدود سخنرانان مکتب الحسین نیز در شهر اصفهان از شهرت قابل توجهی برخوردار نیستند. اندک واعظ‌هایی را هم که استفاده می‌شود مباحث آنها منحصر در مطالب اخلاقی و عرفانی در موضوعاتی چون مقام و مرتبه اهل بیت و حب ایشان بوده که به وظایف فردی یک شیعه و محب اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد که عمق لازم دینی نیز نیست و بویژه آنکه وارد مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه نیز نمی‌شوند و علاوه بر این در همین موارد اندک هم تحت شعاع مداحی قرار دارند. در مجموع ارکان هیئت کمتر با علمای دین معاشرت دارند و کمتر نیاز بوجود یک عالم و کارشناس خبره دینی به عنوان سخنران و یا مشاور هیئت احساس می‌گردد. به جهت بیگانگی مخاطبان به ادبیات و محتوای شایع سخنرانان مذهبی کمتر سخنرانی قدرت ارتباط با مخاطبان را دارد. یکی از مسولین هیئت در این رابطه می‌گوید:

« مخاطبان هیئت از جوانان کوچه بازار هستند اینها با قال باقر و قال صادق سروکاری ندارند و فقط در مناسبت‌هایی مثل محرم این مطالب به به گوش آنها می‌رسد! گفتگوی اینها همه اش قال‌هایده و حمیرا است!! اینها در شبانه روز بیننده‌ی صدها شبکه و کانال ماهواره‌ای هستند. شما باید یک رگی ازلاتی داشته باشی که بتوانی برای اینها حرف بزنی! بشکلی که بتوانی خرق عادت کنی و متفاوت در نظر آنها باشی! اگر سخنران اینگونه باشد، توی مکتب سخنرانی آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. »

اندک سخنرانان هیئت نیز از جهت محتوا به مباحث اخلاقی و عرفانی در موضوعاتی چون مقام اهل بیت علیهم السلام و اهمیت حب به آنها و نیز وظایف فردی یک انسان مسلمان شیعه در قالبی عاطفی و احساسی و عامه پسند می‌پردازند. و علاوه بر اینکه از عمق لازم دینی برخوردار نیست به مباحث سیاسی و اجتماعی پر داخته نمی‌شود. سخنران دارای نوعی ادبیات عام پسند دوران جوانی و همراه با فهم تغییرات فرهنگی بخصوص تغییر ذائقه مخاطبانی که محصول جامعه جدید صنعتی و شهری مثل اصفهان می‌باشد و از جمله ویژگی‌های دیگر سخنرانان هیئت می‌توان به اینکه باید بتواند رابطه دوستانه متناسب با ذائقه آنها با آنها برقرار نماید و اعتماد مسؤل را بخود جلب نماید و به نقد مداحان و مداحی آنها نپردازد، بنوعی مدافع و پناهگاه آنها در برابر منقدین آنها باشد و نیز از مهارت‌هایی که برای مخاطب خاص هیئت جذاب است مانند؛ مهارت در ورزش‌های رزمی، مهارت در بیان گفتار طنزآمیز، صدای خوب و دلپذیر برخوردار باشد.

نتیجه‌گیری

در دهه دوم انقلاب اسلامی مدلی از توسعه در کشور به اجرا در آمد که تغییرات عمیقی بر ساختارهای فرهنگی ایجاد نمود. این مدل نه تنها پیشرفت مطلوبی به همراه نداشت بلکه به مرور موجب تخریب ساختارهای فرهنگی کشور شده و سبب احیاء و تقویت مجدد نظام اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، فئودالی و اشرافی شده و گسترش فساد در جامعه و بدنه حکومت شد. به پیوست آن با کاهش اعتماد مردم و فاصله گرفتن آنها نسب به حاکمیت آنها نیز وارد مسابقه تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و اولویت قرار گرفتن منافع فردی بر منفعت اجتماعی برای آنها شد. نظر به اینکه اقتضای مدل جدید توسعه تقسیم کار اجتماعی و مشاغل مختلف و جدیدی را بدنبال داشت بود که سبک خاصی از زندگی را طلب می‌نمود که بیگانه با ساختارهای مذهبی جامعه بود و مردم هم ناچار از قواعد و انتظارات آنها از دین متفاوت شده و با فاصله گرفتن از روحانیت و نظام مذهبی

دستورالعمل‌های دیگری پیروی نموده که بر مبنای یک دین انتظاری و عامه‌پسند است. این پدیده جدید دینداری در بین جوانان - آسیب پذیرترین قشر جامعه در برابر فرهنگ جدید توسعه - به مثابه زیرمجموعه فرهنگ جوانان مشخصاً در هیأت‌های مذهبی شکل گرفته و سبب همه‌گیری نوعی رفتارهای مناسکی هیئت‌های مذهبی به محوریت جوانان شد. آسیب‌هایی که این نوع رفتار مناسکی عاشورایی عامه‌پسند موجب تنزل مناسک عاشورایی در چارچوب امور ذوقی و سلیقه‌ای و عاطفی و احساسی و هیجانی و فردی نموده و قیام عاشورای حسینی را تبدیل به یک گفتمان تک‌ساحتی و جوان‌پسند و شکلی کرده و از عناصر محتوایی، پویا، توانمند و پر جاذبه تهی نموده و سبب به حاشیه رفتن ابعاد حماسی، اجتماعی و سیاسی و... شده و ضمن اینکه مقام رفیع اهل بیت علیهم السلام و یاران صدیق آنها در صف انسانهای عادی در ذهن و دل مخاطب جوان خود تنزل می‌دهد، در بسیاری از موارد تنقیص و توهین به ساحت مقدس آن بزرگوارن می‌باشد. علاوه بر این می‌تواند موجب روی‌گردانی جوانان متفکر و نخبه جامعه و روی‌گردانی و انزجار و دلزدگی آنها از اصل دینداری بشود. تاکید بیش از اندازه این مناسک بر وجوه عاطفی و احساسی و هیجانی و فردی می‌تواند سبب گستره رفتارهای فردگرایانه و صرفاً احساسی و عدم احساس مسئولیت در مقابل منافع جمعی گردیده و در نتیجه باعث کاهش تعلق افراد جامعه به هویت ملی و جمعی شده و همبستگی جامعه را تهدید و موجب بی‌تفاوتی دینداران به ارزشهای ملی و مذهبی جامعه و در نهایت سبب تقویت نوعی حکومت ستیزی در جامعه شده و شرایط را برای نفوذ دشمنان و بیگانگان و جریانات وابسته به آنها را فراهم می‌نماید. ستاره محور بودن مداحان این هیئت‌ها و شیفتگی جوانان به آنها سبب طمع پیدا و پنهان شبکه به ظاهر مذهبی بیگانگان و دشمنان شده و علاوه بر اینکه همواره سعی در نفوذ در آنها و سوء استفاده از آنها برای قرار دادن آنها در مقابل حاکمیت نمایند، بواسطه آنها سعی در دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی در جهت اهداف استعماری خود نمایند. مداحان این هیئت‌ها با جلب انرژی احساسی جوانان

بسوی خود به مرور زمان جای علماء و روحانیون را در نمایندگی و رهبری نظام مذهبی گرفته و موجب کم رنگ شدن و یا حذف نقش و تاثیر گذاری آنها می‌گردد. مداحی در این هیئت‌ها با استفاده از ملودی موسیقی‌های تقلیدی، بدون ضابط و در موارد فراوان مبتذل سبب قیح شکنی از این نوع موسیقی شد، تداعی کننده درون مایه مخرب عشقی، یاس و نوامیدی از آینده، حزن، ناامیدی، فردگرانی در جامعه، سوق دادن همه افراد جامعه بویژه جوانان به سوی تمایلات فردی، حزن عاشقانه و منفعل و گوشه‌گیرانه و زمینه‌سازی در راستای میل دادن جامعه بسوی بی‌قیدی و لاابالی‌گری و بی‌خیالی و بی‌تفاوتی نسبت به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. استوری، جان، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، حسین پاینده، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۹
۲. ام. مارچسون، جولیان، مردم نگاری، سیدقاسم حسنی، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، سال ۱۳۹۳
۳. بهار، مهری و ابوالفضل احمدی، بررسی جامعه شناختی تغییرات کارکردی هیئت‌های مذهبی، مهندسی فرهنگی سال هشتم، ۱۳۹۳
۴. توسلی، غلامحسین، جامعه شناسی دینی، تهران، سخن، ۱۳۸۰
۵. حسام مظاهری، محسن، رسانه شیعی، چاپ دوم، انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۷
۶. _____، _____، هیأت و جوانی که مطالعه موردی پیرامون هیئت عاشوراییان، کارشناسی ارشد، مطالعات جوانان، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۸
۷. خاتمی، سیداحمد، چکامه‌هایی در شیوه‌های عزاداری: آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی مراسم عزاداری، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۴
۸. دلیو، اریک رودنولر، ارتباطات آیینی، عبدالله گیویان، نشر: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰، ۷
۹. ذکایی، محمد سعید، فرهنگ مطالعات جوانان / ویراستار محمد نبوی، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۶
۱۰. رحمانی، جبار، مناسک عزاداری محرم، ج ۱، مقاله محسن مظاهری، تهران: نشر خیمه، ۱۳۹۲
۱۱. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، ۱۳۹۳
۱۲. رفیع پور، فرامرز، تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم اجتماعی، چاپ، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴
۱۳. _____، _____، جامعه احساس موسیقی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵
۱۴. _____، _____، توسعه و تضاد، چاپ: نهم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲
۱۵. _____، _____، دریغ است ایران که ویران شود، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲
۱۶. شوکر، شناخت موسیقی مردم پسند، ترجمه محسن الهامیان. تهران: ماهور، ۱۳۸۴
۱۷. شجاعی زند، محمد، عزاداری حقیقی، قم: چاپ محبی، ۱۳۸۳
۱۸. شفرز، برنهادر، مبانی جامعه شناسی جوانان، کرامت الله راسخ، چاپ پنجم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸
۱۹. صدیق سروسستانی، رحمت اله، جامعه شناسی شهری، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۱
۲۰. صفا، داود و سید محمود نجاتی حسینی، مقایسه مداحی‌های سنتی و مدرن، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۹۰
۲۱. فیاض، ابراهیم و جبار رحمانی، مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست شهری، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳۸۵
۲۲. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، حسن چاوشیان، انتشارات نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۸۹
۲۳. گیویان، عبدالله، آیین-آیینی سازی و فرهنگ عامه پسند دینی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵، ۱۳۸۵
۲۴. مریجی، شمس‌الله، تبیین جامعه شناختی واقعه عاشورا، قم موسسه امام خمینی، چاپ ششم، سال ۱۳۸۹

۲۵. مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۰
۲۶. مستاجران، مهدی، آسیب شناسی مناسک عاشورایی در فرهنگ عمومی سه دهه اخیر با تاکید بر دو هیئت جوانان در اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۵
۲۷. وبر، ماکس، دین، قدرت، جامعه، احمد تدین تهران، هرمس، ۱۳۸۲
۲۸. نقدی، اسدالله، انسان و شهر، انتشارات دانشگاه ابوعلی سینا، ۱۳۹۰

1. Gordon, Steven L, "Micro-Sociological Theories of Emotion, In: H.J. Helle and S.N, ۱۹۸۵
2. Geertz, Clifford, (2000), *The Interpretation of Cultures*, New York: Basic Books, P 10
3. Geertz, Clifford (۱۹۸۸), *Works and Lives: The Anthropologist as Author*, Cambridge: Cambridge University Press, p14
4. Routhenbuhler, *Ritual communication*. London: Sage, ۱۹۹۸

